

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

۲۹ جولای ۲۰۱۵

یادی از مرحوم یوسف پناه!!

با تأثر عمیق، وفات شاعر شوریده، دوست دیرینم جناب محمد یوسف "پناه" را به فرزند برومندش «قیس جان پناه» و باقی فرزندان و بازماندگان از صمیم قلب تعزیت و تسلیت میگویم. او که به تکلیف صحی گرفتار بود، اتفاقاً در تماسهای اخیر، هر بار از من تقاضاء میکرد تا هنوز که زنده است، در رثایش شعری بسرایم و مکرر این کلام ورد زبانش شده بود که:

«پناه خاکسارم، ببین لوح مزارم»

اینک دو سروده ای به همین مناسبت تقدیم میکنم. روح شان شاد و یاد شان گرامی باد!!!

شاعر در دانشنای ما «پناه»	برد آخر بر خدای ما پناه
داشت در دل دردهای آتشین	نالہ های جانگداز و دلنشین
بلبل افسرده گـلزار بود	دور افتاده ز گلشن، زار بود
آتش درد وطن در سینه داشت	سینه پرافت و بی کینه داشت
رفت و داغی در دل یاران گذاشت	نام نیکوئی درین دوران گذاشت

جایگاهش باد فردوس برین

نذر راهش فضل رب العالمین

(م. نسیم «اسیر» ۲۲ جولای – ۲۰۱۵، فرانکفورت)

من اگـر گـاه گاه مینالم جسته هـردم ز جاه مینالم
شب و روزم ز بس که غمگین است از سپید و سیاه مینالم
دیگـران ناله از ازل دارند من به پایـان راه مینالم
گم شده، خنده از لبم عمری ست با غم و رنج و آه مینالم
قامت من ز کوه غم خم شد میتپم همچو کاه مینالم
جلوه ناز میفرـوخت کسی من درین جلوه گـاه مینالم

رفت از دست ما «اسیر» پناه

من به یـاد «پناه» مینالم

(م. نسیم «اسیر» - ۲۸ جولای - ۲۰۱۵، فرانکفورت)